



«وطن امروز» گزارش می دهد: عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای می تواند نقطه عطف اجلاس آتی در تاجیکستان شود

# نگاه شرق به ایران

نقش ثبات‌ساز و امنیت‌آفرین در منطقه، مهار ترور بسم تکفیری، منابع سرشار انرژی و توان تأمین امنیت انتقال آن و موقعیت ترانزیتی از دلایل جلب توجه اعضای شانگهای به ایران است

## دستی بالای همه دست‌ها



اعجوبه‌های تیم ملی والیبال نشسته ایران  
برای هفتمین بار قهرمان پارالمپیک شدند

تشکر رهبر انقلاب  
از کاروان پارالمپیک ایران

کاروان ایران در مسابقات پارالمپیک توکیو  
۱۲ مدال طلا، ۱۱ نقره و یک برنز کسب کرد

**تاریخ**

به مناسبت سالگرد ترور آیت‌الله قدوسی

**شهید نفوذ**

**سید محمدامین علیدوست:** چهاردهم شهریور سالروز ترور آیت‌الله شهید علی قدوسی به دست عوامل نفوذی ضدانقلاب است. حاج احمد قدیریان از یاران و همراهان آیت‌الله شهید قدوسی در دادستانی انقلاب، در بخشی از کتاب خاطرات خود که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است درباره نحوه نفوذ منافقین و به شهادت رساندن آیت‌الله قدوسی می‌گوید: «شهادت آقای قدوسی بسیار عجیب بود. ایشان به یکی از کارکنان دادستانی به نام آقای فخر مشکوک شده بود، شخصی که بعدها بدیدیم با مسعود رجوی عکس داشت. فخر در دادستانی نفوذ کرده بود. آقای قدوسی چندین بار به مسئولان پرسنلی تذکر داده بود «مراقب او باشید، من نسبت به این شخص مشکوکم». روز سه‌شنبه یا چهارشنبه صحبت شده بود که فخر به گزینش برود تا با او صحبت کنند. ایشان به آن قسمت آمده بود و پس از گفت‌وگوهای لازم، یک برگه تسویه حساب به او داده بودند و قرار نبود از شنبه به دادستانی بیاید. وی پنجشنبه و جمعه وارد دادستانی شد و زیر میز شهید بزرگوار آقای قدوسی و همچنین در سقف مواد منفجره کار گذاشت. منافقین به محض اینکه آقای قدوسی وارد دادستانی شد و پشت میزش قرار گرفت، مواد را با هدایت از بیرون منفجر کردند.

بر اثر شدت انفجار، دیوار اتاق ایشان خراب شد و آقای قدوسی به پایین پرت شد. کنار آقای قدوسی هم تعدادی از دوستان و برادران مجروح شدند. بعد از این انفجار آقای قدوسی را به بیمارستان بردند و همان روز هم سر ایشان را عمل کردند ولی موفق نشدند و ایشان همان بعدازظهر به درجه رفیع شهادت نایل شد. رفت و مهربانی، اعتدال و عقلانیت، ویژگی‌هایی است که یاران آیت‌الله قدوسی ایشان را به خاطر مزین بودن به این صفات می‌ستایند؛ مجاهدی که امام خمینی(ره) در پیامی که به مناسبت شهادت ایشان صادر کردند اینگونه او را توصیف کردند: «شهیدی عزیز که سالیان دراز در خدمت اسلام بود؛ اخیراً مجاهدات او در راه انقلاب بر همگان روشن است. اینجانب سالیان طولانی از نزدیک با او سابقه داشتیم، و آن بزرگوار را به تقوا و حسن عمل و استقامت و مقاومت و تعهد در راه هدف می‌شناختم. شهادت بر او مبارک و وفود الی‌الله و خروج از ظلمات به سوی نور بر او ارزانی باد... ننگ و خسران بر کسانی که گمان می‌کنند یا این شرارت‌ها ملت شریف ایران را که برای اقامه عدل اسلامی قیام کرده‌اند از صحنه مبارزه با کفر خارج می‌نمایند.»

**یادداشت**

امام موسی صدر یکی از اندیشمندان بزرگ اسلامی

معاصر به واسطه رشته‌های که در آن تحصیل کرده‌اند، یعنی «حقوق در اقتصاد»، نظرات اقتصادی مهم و البته دقیقی دارند که ایشان را در این زمینه از بقیه اندیشمندان اسلامی متمایز می‌کند. قصد داریم به بهانه ایام سالگرد روده شدن ایشان در شهریور ۱۳۵۷ نظرات ایشان راجع به توزیع ثروت را بررسی کنیم. در اینجا قصد نداریم علت فقهی احکامی را که ایشان در این مورد صادر کرده‌اند بیان کنیم و به صورت اجمالی، قرار است بگوییم ایشان قائل به چه نوع توزیع ثروت بین کارگر و سرمایه‌دار که امروز به او لقب کارآفرین را داده‌اند، هستند.

ابتدا نیاز داریم یک بررسی کلی درباره نظر ایشان راجع به منشأ به وجود آمدن ارزش داشته باشیم. ایشان معتقدند کار باعث ایجاد ارزش می‌شود اما تمام علت تولید ارزش را به کار نیروی کار گره نمی‌زنند. چیز دیگری که باعث تولید ارزش می‌شود، «طبیعت» است. مثالی که خود ایشان می‌زنند، مقایسه ۲ نوع پنبه سوری و پنبه مصری است. در حالی که برای به ثمر رسیدن هر ۲ محصول به یک میزان تلاش و زحمت کشیده می‌شود اما پنبه مصری به دلیل اینکه در خاک، آب و هوا و طبیعت مصر رشد کرده، کیفیت بالاتر و ارزش بیشتری دارد. این ارزش توسط تلاش انسان به وجود می‌آید و از آن جداست. دیگر نکته‌ای که ایشان به آن باور دارند، این است که ارزش یک کالا در زمان و مکان متفاوت، متفاوت است. با پذیرفتن این اصل، تجارت از نظر اسلام امری درست و مشروع است که حالا قصد پرداخت به آن را نداریم.

ایشان همچنین نوسان قیمت به واسطه تغییرات در عرضه و تقاضای کل را به رسمیت می‌شناسند اما آن را با ارزش خلط نمی‌کنند. افزایش تقاضای کل کالا یا کاهش عرضه کل آن موجب می‌شود قیمت کالا افزایش یابد و برعکس. ایشان تصریح می‌کنند اگر تقاضای کل یک کالا از عرضه کل آن پیشی گرفت، واحدهای تولیدی موظفند بخشی از سود خود را صرف افزایش ظرفیت تولید کالا کنند. این دیدگاه با دیدگاه سیستم اقتصادی لیبرالی که معتقد است تغییر در ظرفیت تولید با سیگنال‌های

عرضه و تقاضا به صورت خودکار رخ می‌دهد متفاوت است، زیرا قید موظف بودن قرار داده شده و آنها باید بخشی از سودی را که به دست آورده‌اند، خرج افزایش عرضه کالا کنند.

حالا که نظر ایشان درباره منشأ ایجاد ارزش را مطالعه کردیم، می‌توانیم دیدگاه ایشان را راجع به توزیع ثروت بین کارگر و سرمایه‌دار بررسی کنیم. ابتدا نظر ایشان راجع به سهم کارگر را بررسی می‌کنیم. ایشان معتقدند بر مبنای اسلام، کارگر باید حقوقی ثابت داشته باشد و نمی‌توان به بهانه ضرر یا هر چیز دیگری، دست‌سزد او را پرداخت نکرد یا چیزی از آن را کاست، زیرا او به اندازه کاری که می‌کند، وقتی که می‌گذارد و ارزشی که تولید می‌کند، مستحق آن حقوق است؛ یعنی حقوق ثابت و بدون مشارکت در ضرر. همچنین بیان می‌کنند نیروی کار باید در سود سهیم باشد، چرا که کار او باعث شده سرمایه‌دار به سود برسد. پس سهم کارگر می‌شود درآمدی ثابت به علاوه مشارکت در سود.

اما درباره سرمایه‌دار؛ به علت اینکه سرمایه‌دار ارزشی را به خودی خود ایجاد نمی‌کند، پس حق ندارد درآمدی ثابت داشته باشد. همچنین وقتی قرار باشد کارگران در ضرر مشارکت نداشته باشند، پرداخت تمام ضرر بر گردن او است. ایضا به علت مشارکت کارگران در سود، او باید بخشی از سود را به آنها تسلیم کند. به علاوه، اینها، همان‌طور که گفتیم، با مثبت شدن سود اقتصادی که حاصل پیشی گرفتن تقاضا از عرضه است، بنگاه موظف است بخشی از سود خود را به افزایش ظرفیت تولید اختصاص دهد. در نتیجه درآمد سرمایه‌دار در نوسان بین سود و زیان است. در صورت ضرر، تمام ضرر متوجه او است و هنگام سود، پس از کسر سهم کارگران و سهمی برای افزایش ظرفیت تولید، آنچه باقی مانده متعلق به او است.

حالا اگر بیاییم مدل اسلامی را که امام موسی صدر ارائه می‌دهند مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم اصول تقسیم ثروت بین کارگر و سرمایه‌دار، به طور معناداری

به نفع کارگر است. سوال این است: آیا طبق این مدل، اصولاً می‌توان توقع مشارکت سرمایه‌داران در فرآیند تولید را داشت یا نه؟ در مدیریت یک بنگاه خصوصی با داشتن سرمایه‌دارانی مشخص، وقتی بنا باشد تمام ضرر را سرمایه‌داران تحمل شوند و قرار باشد هیچ چیز از درآمد کارگران کسر نشود، تنها ۲ راهکار باقی می‌ماند؛ یا تعدیل نیرو رخ دهد یا اینکه بنگاه به صورت کلی تعطیل شود. اگر ما راهکار اول را بپذیریم، باید قید امنیت شغلی را به کلی بزنیم، زیرا ممکن است در هر سال یا حتی در هر ماه، بنگاه با زبانی روبه‌رو شود که سرمایه‌داران توان پرداخت حقوق همه کارگران را نداشته باشد. پس یک بازار کل سیال خواهیم داشت که هیچ امنیت شغلی متوجه هیچ کس نیست. این سیاست نه تنها بر تمام کارگران و حتی جامعه اثر منفی می‌گذارد، بلکه سود ویژه‌ای هم نصیب سرمایه‌دار نمی‌شود. گزینه دوم نیز مساوی است با کار افتادن چرخ‌های اقتصاد و زمینگیر شدن کشور. با این حال، چطور می‌توان اصول اقتصادی اسلام را که امام موسی صدر چنین تفسیر کرده است، در یک اقتصاد پیاده کرد؟

واضح و مبهرن است چنین مدلی از توزیع ثروت با اقتصاد سرمایه‌داری، خواه سرمایه‌داری خصوصی و خواه سرمایه‌داری دولتی، جور در نمی‌آید. پس با باید در مدل ارائه شده دست برد و آن را تغییر داد که می‌شود دست بردن در اصول اسلامی با باید زمین جدیدی غیر از اقتصاد سرمایه‌داری برای اقتصاد تعریف کنیم. چون ما راحل اول را درست نمی‌دانیم و آن را بدعت می‌دانیم، تنها راهکارمان ترسیم مدل جدیدی از اقتصاد است. آیا اصلاً چنین مدلی وجود خارجی از حیث عملی و نظری دارد یا خیر؟ آیا اساساً راه‌حلی جز خصوصی‌سازی برای اقتصاد می‌توان متصور شد؟ پاسخ مثبت است: «اقتصاد تعاونی».

مشکل اصلی مدل اسلامی توزیع ثروت و اقتصاد سرمایه‌داری این است که دخیل نبودن کارگران در ضرر

و مشارکت آنها در سود باعث می‌شود سرمایه‌گذاری در تولید برای سرمایه‌داران پرریسک یا با سود کم باشد و وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهتر در خارج باعث می‌شود آنها نه تنها سرمایه‌شان را در اقتصاد داخل کشور سرمایه‌گذاری نکنند، بلکه جریان خروج سرمایه از کشور رخ می‌دهد. پس باید کاری کرد که نیروی کار در ضرر مشارکت داشته باشد تا اندکی از سختی‌های سرمایه‌دار کم شود. از آن طرف، این به نفع سرمایه‌گذار است که خود عضوی از نیروی کار باشد، زیرا در این صورت درآمدی ثابت برای او مقدر می‌شود و می‌تواند مطمئن‌تر به فعالیت اقتصادی خود ادامه دهد. اینجاست که مدل‌های اقتصاد تعاونی خود را بروز می‌دهند؛ بنگاه‌هایی که مبتنی بر سرمایه‌های خرد افراد به وجود می‌آیند و نیروی کار، خود یکی از سرمایه‌گذاران بنگاه است. ساده‌ترین مدل اقتصاد تعاونی برای یک بنگاه خرد یا یک کارخانه، شیوه کارگر-مالکی است. در این حالت، هر یک از کارگران دارای سهمی مشخص از سرمایه‌ها و عوامل تولید کارخانه خواهند بود و در عین حال، خود نیروی کار هستند. یعنی کارگر و کارفرما هر دو یکی هستند. حالا همه کارگران دارای حقوقی ثابت هستند، همه آنها در ضرر مشارکت دارند، همچنین تمام سود جز بخشی از آن را که مربوط به افزایش ظرفیت تولید است، در اختیار دارند.

اینجا قصد نداریم به مدح اقتصاد تعاونی بپردازیم و ویژگی‌های مثبت و منحصر به فرد آن را نشان دهیم اما به طور اجمالی باید بگوییم این مدل، تنها مدل موجودی است که می‌تواند با شرایط اقتصادی اسلام بخوبی کنار بیاید و تحت شرایط سخت اقتصادی هم بخوبی کار کند. اما مسأله‌ای که در اینجا وجود دارد، این است که آیا شرایط اقتصادی حال حاضر کشور، توانایی این را دارد که ما فرمان اقتصاد را به سمت اقتصاد تعاونی بچرخانیم یا خیر؟ متأسفانه پاسخ منفی است. به علت پیاده شدن سیاست‌های توسعه در ۳۰ سال گذشته، هرچند و عملاً همان کشور ۴۳ سال قبل خواهیم ماند.

مالیات از ثروتمندان، به علاوه سیستم بانکداری مرخص و تبعیض آفرین، شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای است که ثروت بخش بزرگی از جامعه در دست عده‌ای معدود محاصره شده است. اقتصاد تعاونی برای سرمایه‌داران و ثروتمندانی که امروز آنها را کارآفرین نامگذاری می‌کنند و آنها را ارج می‌نهند و کسانی که دوست دارند پای‌شان را روی پای‌شان بگذارند و پول روی پول، محتات‌آور است. پس آنها تلاش می‌کنند سرمایه خود را در جایی که بتوان حق کارگران را خورد و سود بیشتر به جیب زد سرمایه‌گذاری و به قول دوستان کارآفرینی (!) کنند. با این اتفاق، سرمایه‌های کشور که حاصل زحمات تمام کارگران و منابع طبیعی کشور است از دست می‌رود. همچنین نبود منابع مالی کافی در دست جامعه و نیروی کار باعث می‌شود کارگران هیچ‌گاه نتوانند سرمایه کارخانه یا بنگاه خود را خودشان تأمین کنند. پس نمی‌توان به‌مقدمه و بدون طراحی هیچ مسیری برای رسیدن به اقتصاد تعاونی، این ایده را به عنوان ایده اصلی اقتصاد کشور معرفی کرد.

ابتدا باید سرمایه مملکت را از دست عده معدودی سرمایه‌دار نالایق خارج کرد و به دست همه مردم رساند تا کارگر بتواند خود را در سرمایه یک بنگاه شریک کند و بنگاه‌های تعاونی شروع به کار کنند. برای نیل به این خواسته، نیاز است نظام مالیاتی خود را به سرعت و در اسرع وقت، بازبینی و با بستن مالیات‌های سنگین و البته اصولی بر ثروت، سرمایه کشور را که حاصل تلاش همه مردم است، به دست همه آنها برسانیم. همچنین باید سرعت باد از کشور خارج نشود و حتی امکان بازتوزیع شود. ایضا نظام بانکی کشور و اعطای تسهیلات باید طوری بازطراحی شود که وام‌های متعددی برای کارگران در دسترس باشد تا بنگاه‌های تعاونی بتوانند با بگیرند و رشد کنند. با پیاده شدن این راهکارهاست که می‌توان به تعاونی شدن و به تبع آن، اسلامی شدن سیستم اقتصادی کشور در زمینه توزیع ثروت امیدوار بود. در غیر این صورت ما همچنان در نظام اقتصادی خود و بویژه مسأله توزیع ثروت، هیچ انقلابی را به ثمر نرسانده و عملاً همان کشور ۴۳ سال قبل خواهیم ماند.